منافع ملی و بازتعریف راهبرد بلند مدت کشور در مورد تولید نفت خام

حامد نجفی جزه؛ فارغ التحصیل مهندسی نفت از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکترا اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی؛

پست الکترونیک: najafi.sharif84@gmail.com

چکیده:

در این مقاله ابتدا افرازی از مبحث اقتصاد بدون نفت صورت گرفته و سپس بر مساله تولید بهینه بر اساس منافع ملی تمرکز می گردد، این مساله از دو حوزه اقتصادی و سیاسی-امنیتی مورد بررسی قرار می گیرد. در بررسی حوزه اقتصاد دو رکن قیمت و هزینه مبنای سنجش دقیق منافع اقتصادی است. در حوزه قیمتی، تغییرات قیمت نفت و طلا طی سالهای ۱۹۷۰-۲۰۱۲ تحلیل شده و تحلیل داده ها نشان می دهد افزایش ارزش نفت بیشتر از افزایش ارزش طلا بوده و بنابراین صادرات بیشتر نفت بر اساس تحلیل صورت گرفته مبتنی بر منافع اقتصادی، معقول نیست. از بعد هزینه نیز بنابر دو اصل حداقل سازی هزینه استخراج و حداکثر سازی میزان استخراج در طی سالیان متمادی بر اساس بکارگیری روش های ازدیاد برداشت تحلیل هایی صورت گرفته و نشان داده می شود که افزایش و یا حفظ میزان تولید فعلی از این منظر توصیه نمی گردد. در حوزه سیاسی-امنیتی نیز ابتدا میزان ذخایر، تولید، صادرات و مقاصد صادراتی نفت ایران و کشش قیمتی نفت مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد تا توان بالقوه کشور در بهره برداری سیاسی- امنیتی مبتنی بر ابزار نفت بدست آید و در ادامه با توجه به حضور نفت در بودجه و وابستگی کشور به درآمدهای نفتی توان بالفعل کشور برآورد می گردد که روشن کننده میزان دقیق منافع سیاسی-امنیتی در قبال اتخاذ راهبرد حفظ و یا افزایش تولید نفت است.از جمع بندی حوزه های مختلف تعیین کننده منافع ملی، پیشنهاد می شود که در مورد اصل کلی افزایش تولید و صادرات نفت به عنوان یکی از سیاست های کلی نظام در بخش نفت و گاز بازنگری جدی صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد بدون نفت، تولید بهینه، منافع ملی، ازدیاد برداشت، نفت و طلا

۱- مقدمه:

در ضرورت تعریف اقتصاد بدون نفت تاکیدات متعددی از سوی مقام معظم رهبری در طول سالیان متمادی صورت گرفته است. این دغدغه نه تنها در سطح رهبری نظام که در سطوح مدیران عالی اجرایی کشور نیز به کررات بیان شده است و همه اینها ضرورت پرداختن به این مساله را به عنوان یکی از مسائل راهبردی اداره کشور هر چه بیشتر تبیین می نماید.

از آنجا که می توان به مبحث اقتصاد بدون نفت از منظرهای مختلف نگریست و این مساله از ابعاد متفاوت و متنوعی برخوردار بوده فلذا لازم است تا ابتدا افرازی از مبحث فوق صورت گیرد تا با یافتن پاسخ برای هر کدام از مساله های جدید ایجاد شده، به یک بسته سیاستی جهت پاسخ به مساله (اقتصاد بدون نفت) دست یافت.

مبحث اقتصاد بدون نفت مادامی برای کشور مطرح است که کشور نفت دارد یا به عبارتی مادامی مطرح است که کشور نفت موجود در مخازن را استخراج و به فروش می رساند و البته با کاهش یا افزایش تولید که متناسب است با کاهش یا افزایش درآمدهای نفتی در همان مقطع، این مساله نیز شدت و ضعف بیشتری پیدا می کند بنابراین اولین مساله در بررسی این مبحث تصمیم گیری در مورد تولید با توجه به نیاز داخلی است.

مساله ثانویه ای که درآمدهای نفتی از آن طریق به شدت بر سر طراحی سیاست های اقتصادی تاثیر می گذارد نحوه ی فروش منابع نفتی است. اینکه این منابع به دلار فروخته شود و یا به ریال، در ازای آن یک ارز خارجی دریافت شود یا کالایی ارزشمند مثل طلا؟، سوالاتی است که در این باب مطرح می شود.

آخرین مساله ای که به نظر می رسد در این نوع افراز بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که درآمدهای حاصل از فروش نفت خام کجا و چگونه هزینه شود. آیا این درآمدها باید سرمایه گذاری خارجی شود یا به تولید ملی اختصاص یابد؟ باید یارانه شده و به مردم تعلق گیرد یا ....

به هر حال سوال سوم نیز بسیار مهم و کلیدی است که به نظر می رسد بیشتر مورد توجه محققین قرار گرفته و بیشتر اقتصاد بدون نفت را در این حوزه تعریف و تنقیه می نمایند. در یک نگاه کلی، از افراز مبحث اقتصاد بدون نفت به سه سوال اصلی می رسیم که عبارت اند از:

۱. براساس باز تعریف منافع ملی، راهبرد بلند مدت کشور در مورد تولید نفت خام چیست؟
۲. منابع حاصل از نفت خام را چگونه و به چه شکلی باید فروخت؟(درآمدهای نفتی ارزی باشد یا ریالی؟)

۳. درآمد حاصل از نفت چگونه و کجا هزینه شود؟

اگر به سه سوال فوق پاسخی در خور داده شود به یک نقشه جامع برای حرکت در راستای راهبرد اقتصاد بدون نفت حرکت خواهیم کرد

در این میان این گزارش قصد دارد تا با رویکردی تحلیلی به باز تعریف استراتژی نظام اسلامی در مورد سوال اول یعنی تصمیم گیری در مورد تولید نفت خام بپردازد تا اولین گام را در راستای اقتصاد بدون نفت بردارد.

اگر عملکرد ۱۱۱ ساله کشور[۱] مورد بررسی قرار گیرد یک اصل کلی در بحث تولید نفت چه قبل و چه بعد از انقلاب مبنای عمل دستگاه اجرایی کشور در بخش نفت و گاز بوده که عبارت است از: " افزایش و یا حداقل، حفظ سهم ایران در بازار جهانی نفت، با توجه به افزایش تقاضای جهانی برای نفت و گاز "[۲] آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد نقد اصل کلی فوق الذکر می باشد.

منافع ملی شامل منافع نسل فعلی و نسل های آینده است و البته حوزه های چون اقتصاد، سیاست، امنیت و ... نیز در بر می گیرد. تنها زمانی می توان به یک سیاست راهبردی بر اساس منافع ملی رسید که آن سیاست حاصل برآیند منافع ملی در تمامی حوزه ها باشد.

به نظر می رسد که چنانچه نظام بخواهد در مورد " تولید و صادرات نفت خام" به یک سیاست راهبردی بر اساس منافع ملی دست یابد، بنا بر آنچه در شکل ۱ نمایش داده شده است، حداقل ۲ حوزه اقتصادی و سیاسی- امنیتی باید مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

[۱] اقدام عملی برای اکتشاف نفت از سال ۱۲۸۰ شمسی با اعطای امتیازنامه دارسی از سوی مظفرالدین شاه شروع شد

[۲] نفت و توسعه - گزارش اهم فغالیت های وزارت نفت – اداره کل روابط عمومی وزارت نفت

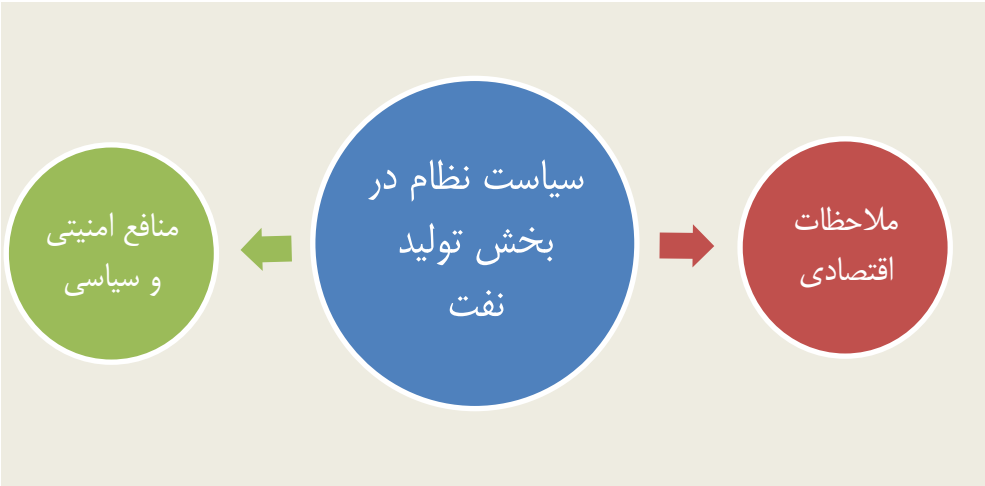

شکل شماره ۱- وجوه تعیین سیاست راهبردی در مورد تولید نفت خام

در تبیین منافع ملی در حوزه مباحث اقتصادی، دو رکن اساسی قیمت و هزینه بایستی مورد مطالعه و تدقیق قرار گیرد.

۲- حوزه اقتصاد

۲-۱- تغییرات قیمت

مقاله را از تحلیل تغییرات قیمت نفت خام آغاز می نماییم. برای این منظور قیمت های اسمی یک بشکه نفت خام[۳]، از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۲ استخراج گردید که در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است. بر این اساس با احتساب نوسانات قیمتی، نفت خام از بشکه ای ۱.۸ دلار در سال ۱۹۷۰ به قیمتی حدود ۱۱۲ دلار در فوریه سال ۲۰۱۲ رسیده است.(۱)

یقینا قیمت نفت طی سالهای متمادی افزایش داشته است، لکن دلار نیز که منبع سنجش ارزش نفت خام می باشد پس از لغو قرار داد برتون وودز در سال ۱۹۷۱ دچار کاهش ارزش شده و بنابراین برای سنجش تغییرات قیمت واقعی نفت خام بایستی به طریق دیگری متوسل می شد.[۴]

---

[۳] هر بشکه نفت خام برابر ۴۲ گالن آمریکایی بوده و برابر ۱۵۹ لیتر می باشد

[۴] بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۴ مهمترین کشورهای صنعتی جهان قراردادی به نام برتن ودز Bretton Woods System را بتصویب رساندند . طبق این قرارداد دلار آمریکا به عنوان پول اصلی جهان به رسمیت شناخته شد و به عنوان پشتوانه دلار آمریکا متعهد شد در ازای هر دلار مقدار معینی طلا تحویل دهد . نرخ تبدیل پول کشورهای دیگر هم به نسبت معین وثابتی با دلار تنظیم شد . بعد از حدود ۲۰ سال به تدریج و عمدتاً به واسطه کسری بودجه داخلی و کسری تراز تجاری آمریکا که عمدتاً ناشی از هزینه های نظامی وبه ویژه جنگ کره وجنگ ویتنام بود ، اعتماد ذخیره کنندگان دلار به آینده آن کم شد وشروع کردند به برگرداندن دلار وتحویل گرفتن طلا . این عمل موجب شد که حجم بزرگی از ذخائر طلای آمریکا از این کشور خارج شود و این کشور نتوانست ادامه این روند را تحمل کند . در

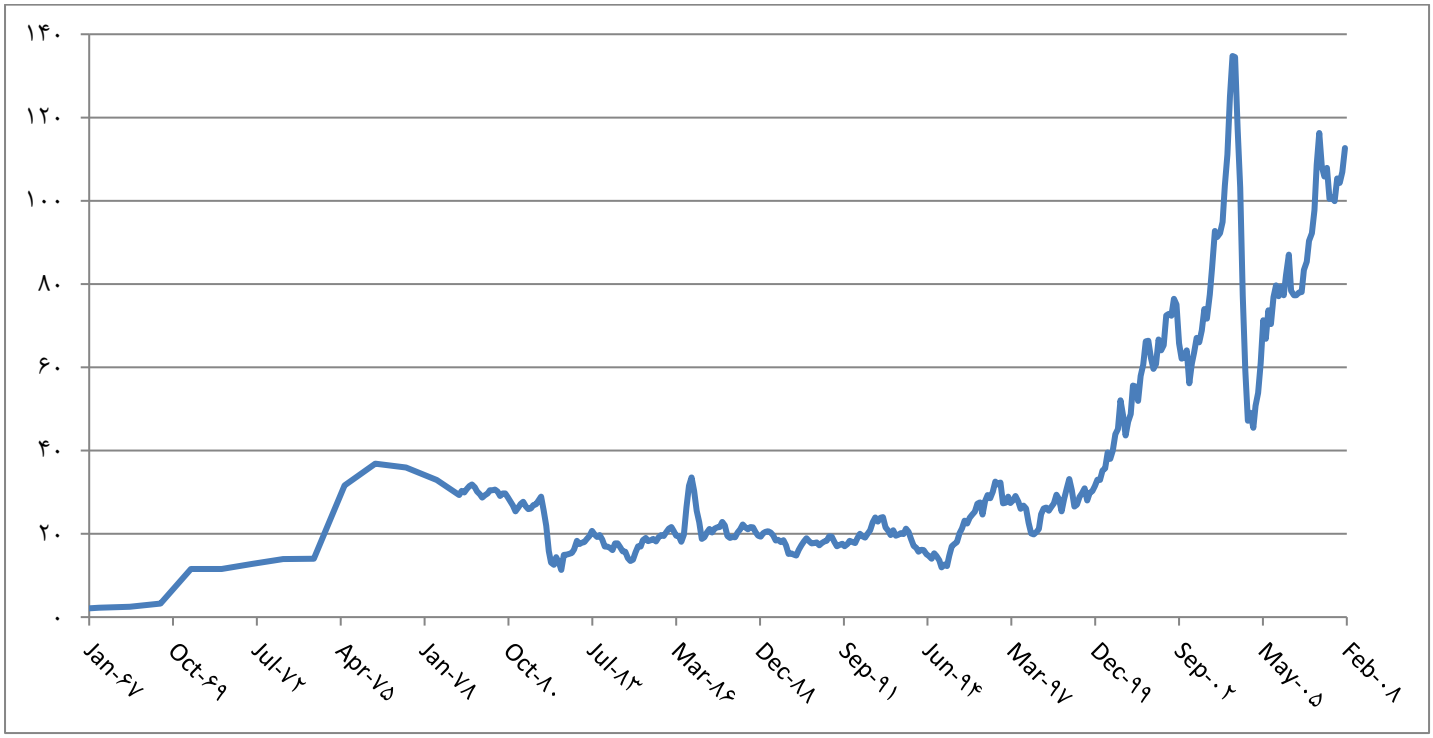

شکل شماره ۲- تغییرات قیمت یک بشکه نفت خام

قبل از آن لازم به ذکر است که نفت خام منبعی تجدید ناپذیر بوده است و دارای ارزش ذاتی است، فلذا بهتر این است که تغییرات قیمت طلا را نیز که دارای ارزش ذاتی است و با لغو قرار داد برتون وودز دچار تغییرات قیمت شده بررسی نماییم. برای این مساله به استخراج قیمت اسمی یک گرم طلا و همچنین یک بشکه نفت خام از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۰ پرداخته شد. لازم به ذکر است که آمار قیمت طلا به صورت ماهیانه استخراج شده و آمار قیمت نفت خام نیز از سال ۱۹۸۳ به بعد به صورت ماهیانه و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۳ سالیانه استخراج شده است

سال ۱۹۷۱ ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا قرارداد برتون ودز را طبق حکمی ملغا اعلام کرد واز آن به بعد دلار قابل تعویض با طلا نمیباشد

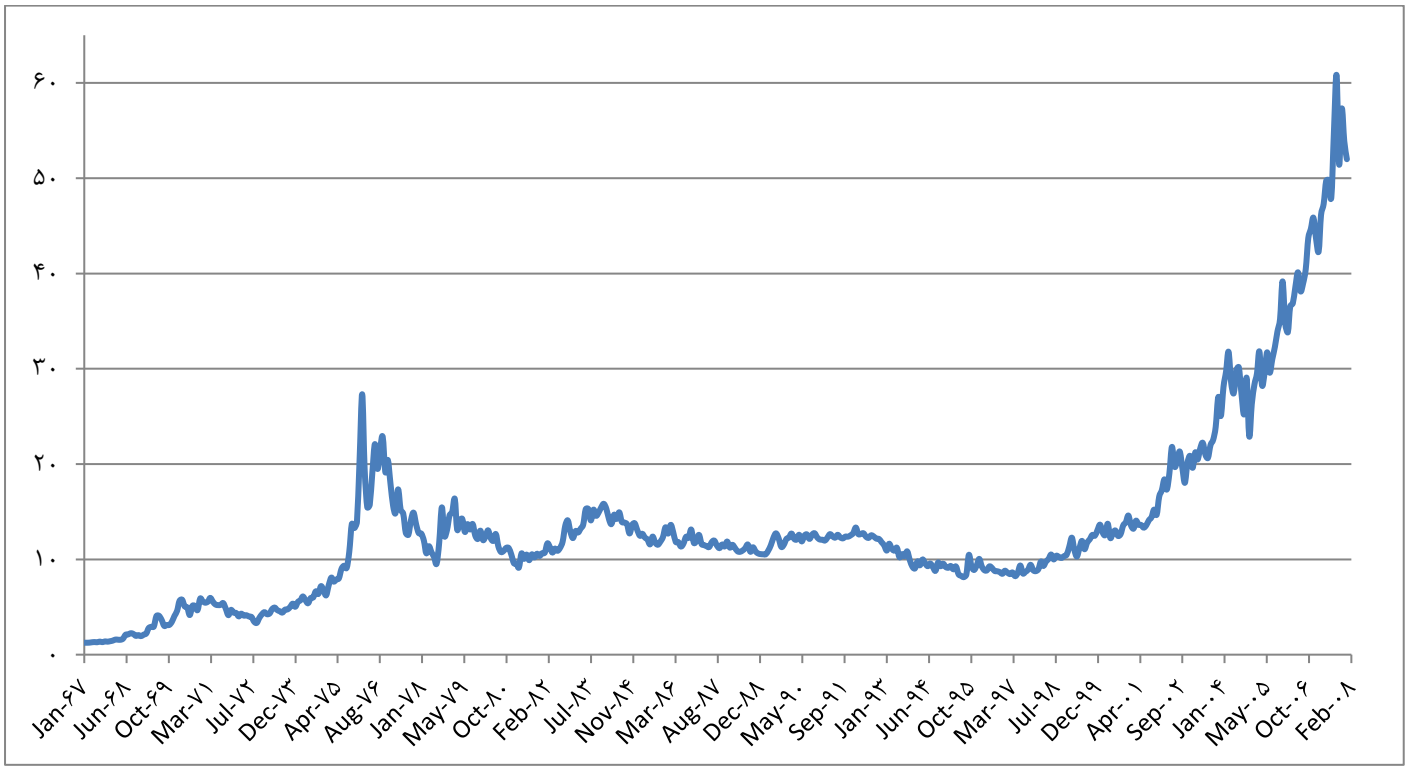

شکل شماره۳- تغییرات قیمت یک گرم طلا

همانطور که ملاحظه می شود قیمت یک گرم طلا از ۱.۲۵ دلار در سال ۱۹۷۱ به ۵۲ دلار در سال ۲۰۱۲ رسیده است. در نهایت برای قیاس تغییرات قیمت نفت به تغییرات قیمت طلا همانطور که در شکل شماره ۴ نشان داده شده است تغییرات مقدار(گرم) طلای قابل خرید را ما به ازای یک بشکه نفت در همان زمان به تصویر کشیده ایم. آن چنانکه از نمودار بر می آید افزایش قیمت نفت بیشتر از افزایش قیمت طلا بوده است، حال آنکه به دلیل استعمار عمده کشورهای دارنده ذخایر نفتی و ایجاد شرکت های چند ملیتی تا حد امکان از افزایش قیمت نفت جلوگیری شده است تا امنیت انرژی برای مغرب زمین به عنوان یکی از منابع اصلی رشد و توسعه هیچ وقت به خطر نیفتد.[۵]

آنچه از نمودار بر می آید این است که با گذشت زمان نفت خام افزایش ارزشی بیشتر از طلا داشته است و بنابراین عقلایی خواهد بود حتی اگر به نفت به عنوان دخیره ارزش نگریسته شود.

[۵] به عنوان مثال تا مدت ها کشورهای پیشرفته صنعتی می توانستند با فروش یک بشکه کوکاکولا چهار بشکه نفت خام بخرند(با فرض ۲۰ دلار برای هر بشکه نفت خام و حداقل ۵۰ سنت برای هر لیتر کوکاکولا). با استدلالی مشابه می توان گفت که با فروش یک بشکه آب معدنی می توانستند دو بشکه نفت حام خریداری نمایند.

از آنچه تبیین شد نتیجه گرفته می شود که تعجیل در فروش نفت به جهت تامین امنیت انرژی در جهان از بعد قیمتی منطقی به نظر نمی رسد و سیاست افزایش تولید و صادرات نفت خام به منظور حفظ جایگاه کشور در تامین تقاضای جهانی مورد تایید نیست.

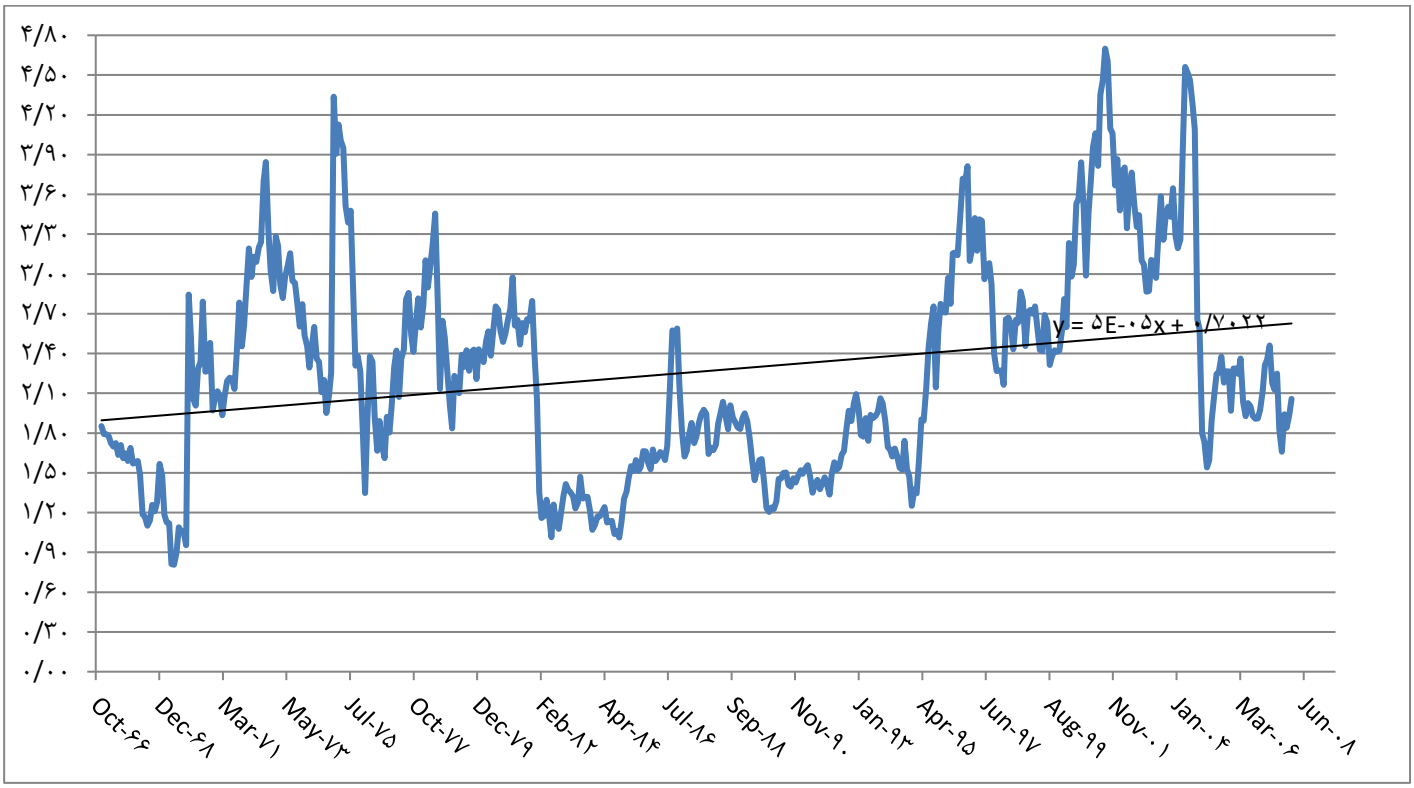

شکل شماره ۴- مقدار گرم طلای قابل خرید ما به ازای یک بشکه نفت خام

به عنوان شاهد مثالی می توان به تغییر استراتژی اقتصاد دانان چینی برای تبدیل ذخایر ارزی به ذخایر نفتی در سالهای اخیر احتمالا بر اساس تحلیل فوق الذکر اشاره نمود:

- بر اساس گزارش بانک مرکزی سانفرانسیسکوی آمریکا، ذخایر ارزی کشورهای جهان در حال تنوع است و موقعیت دلار در بسیاری از کشورهای جهان در حال افول است.

- چین غول اقتصادی جدید جهان به طور رسمی اعلام کرده است بخشی از دارایی های فارکس خود را (از طریق ایجاد ذخایر استراتژیک نفت) از دلار به نفت تبدیل خواهد کرد.[۶]

- اقتصاد دانان چینی به این نتیجه رسیده اند که بهترین حالت برای دخیره ارزش در بلند مدت ذخیره سازی نفت می باشد فلذا به این راهبرد رسیده اند که طی یک فرآیند میان مدت تولید نفت خود را متوقف کرده[۷] و بیشتر نیاز مصرفی خود را واردات نمایند تا از این طریق، از یک سو بخشی از ذخایر ارزی خود را به کشورهای صادرکننده نفت خام انتقال دهند و از سوی دیگر منابع نفتی خود را جهت استفاده در سالیان آینده که قیمت نفت افزایش خیلی بیشتری پیدا خواهد کرد ذخیره می نمایند.

۲-۲-هزینه

رکن دوم بررسی حوزه اثرِ بخش اقتصادی بر منافع ملی، تعیین سیاست راهبردی تولید و صادرات بر اساس حداقل سازی هزینه تولید می باشد.

در این میان حوزه منابع نفت و گاز از دو جهت باید مورد بررسی قرار گیرد.

اولین جهت بررسی های فنی و مهندسی است به این معنا که، آیا برداشت از مخازن به شکلی هست که اولا بتوان بیشترین حجم منابع نفتی را از مخازن برداشت نمود و ثانیا این برداشت، با کمترین هزینه در طول زمان برداشت همراهی دارد یا خیر؟

دومین جهت، بررسی ادعای کاهش نیاز دنیا به نفت و تعجیل در تولید و فروش به خیال کسب حداکثر منافع اقتصادی از فروش بیشتر نفت به دنیا می باشد.
در ادامه به تشریح هر یک از بخش های مذکور پرداخته می شود.

۱-۲-۲- بررسی ابعاد فنی و مهندسی

۱-۱-۲-۲- تولید صیانتی از مخازن

---

[۶] خبرگزاری مهر، ۲۰ آبان ۱۳۸۸

[۷] بر اساس آمارهای منتشره شرکت BP در سال ۲۰۱۲ ، چین درسال ۲۰۱۰ حدود ۴۰۷۱ هزار بشکه در روز تولید و حدود ۹۰۵۷ هزار بشکه در روز مصرف می نماید

بخشی از هیدروکربور موجود در مخزن را که به صورت طبیعی و با استفاده از فشار خود مخزن استخراج می گردد اصطلاحا بازیافت اولیه[۸] می گویند. میانگین بازیافت اولیه در جهان حدود ۳۰٪ می باشد که به این معناست که برای استخراج ۷۰٪ باقی مانده بایستی به روش های ازدیاد برداشت[۹] از مخازن متوسل شد. تا کنون روش های ازدیاد برداشت متنوعی توسط مهندسین مخازن نفتی ابداع شده که یافتن بهترین روش به عوامل متعددی از جمله موارد زیر بستگی دارد:

طبیعت سنگ مخزن، فشار و نوع سیالات موجود در آن، موقعیت فعلی و گذشته مخزن، نوع سیالات قابل تزریق، زمان مناسب تزریق و ملاحضات اقتصادی از نظر هزینه و فایده با توجه به قیمت جاری و قیمت آتی نفت خام.

مهندسان نفت معتقدند که بهترین روش جهت افزایش بازیافت از مخازن که همسو با منافع ملی نیز هست، تزریق گاز در حجم بسیار بالا به مخازن نفتی است، زیرا اولا ساختار طبیعی مخازن ما به گونه ای است که با تزریق گاز می توان به بالاترین بازیافت رسید و ثانیا گاز تزریق شده به مخازن ذخیره شده و برای نسل های بعدی قابل بهره برداری خواهد بود.[۱۰] بر اساس مطالعات صورت گرفته بایستی حداقل به میزان ۲۰ میلیارد فوت مکعب گاز در روز به مخازن تزریق شود که البته به راحتی از مخازن پارس جنوبی و دیگر مخازن(به شرط سرمایه گذاری کافی و تعیین سیاست کلی نظام در بخش تولید و صادرات گاز) قابل دستیابی است. بنا بر آمار منتشره در سال ۲۰۱۲ میزان برداشت ایران از مخازن پارس جنوبی برابر ۸ میلیارد فوت مکعب گزارش شده که بسیار پایین تر از میزان لازم برای تزریق به مخازن نفتی می باشد. لازم به ذکر است که قطر که شریک ایران در مخزن پارس جنوبی می باشد، توانسته هم اکنون حدود ۲۳ میلیارد فوت مکعب در روز، گاز از مخزن پارس جنوبی برداشت نماید. بد نیست یادآوری شود که مصرف گاز در کشور بر اساس آخرین آمارهای منتشره در سال ۹۰ حدود۵۵۰ میلیون متر مکعب در روز بوده(حدود ۱۹ میلیارد فوت مکعب در روز) که از این مقدار بیش از ۸۲٪ در بخش خانگی و تجاری مصرف می شود.[۱۱]

---

[۸] Primary Recovery

[۹] Enhanced Oil Recovery(EOR)

[۱۰] اثبات این قضیه نیازمند مطالعات گسترده آزمایشگاهی است. این مطالعات را شرکت های نفتی شل در هلند و اگزان در اروپا و آمریکا و انستیتوی نفت فرانسه در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰ با نظارت دکتر سعیدی انجام داده اند که تنیجه آن ارجحیت تزریق گاز به مخازن سنگ آهکی ایران در مقایسه با تزریق آب می باشد.

[۱۱] http://jahannews.com/vdcdz۵۰xxyt۰zk٦,۲a۲y.html

آنچنانکه تبیین شد برداشت از مخازن بر اساس دو اصل حداکثر میزان استخراج و کمترین هزینه استحصال از مخازن نیازمند تزریق گاز کافی به میادین است که بر اساس آمارهای منتشره به وقوع نپیوسته و بنابراین برداشت از مخازن بیشتر از توان آن بوده و باعث کاهش ضریب بازیافت و افزایش هزینه های استخراج می گردد که از جهت اقتصادی مورد تایید قرار نمی گیرد.

۲-۱-۲-۲- نیاز چاه ها به تعمیر اساسی

بر اساس آنچه که کارشناسان نفتی بیان می کنند[۱۲] ۲۱٪ چاه ها نیاز به تعمیر اساسی دارد که به علت پافشاری شرکت نفت بر حفظ موقعیت تولید و صادرات به آنها رسیدگی نمی شود و از این بایت نیز تولید بیشتر بر اساس منافع ملی قابل تعریف نیست بالاخص در شرایط فعلی که فروش نفت به ارزهای خارجی دلار و یورو نیز به علت شرایط تحریم با مشکلات زیادی روبرو است.

۲-۲-۲- ادعای کاهش نیاز دنیا به نفت و تعجیل در تولید و فروش به خیال کسب حداکثر منافع اقتصادی

گاها دیده می شود در محافل کارشناسی، به ضرورت تولید و صادرات هر چه بیشتر نفت بر اساس دیدگاه کاهش نیاز دنیا به نفت تاکید می شود که در این بخش مبتنی برگزارشات آینده پژوهانه مجامع بین المللی در ارتباط با تقاضای نفت به نقد این نظر می پردازیم.

در دنیای امروز نفت دو کارکرد اساسی دارد که عبارت است از:

الف) ماده اولیه ب)انرژی

آنچنانکه در جدول شماره (۱) دیده می شود از تصفیه نفت خام بر اساس درجه API و سایر خصوصیاتی که دارد محصولات متفاوتی تولید می شود که بخش عمده آن به صورت انرژی و بخش دیگری نیز به عنوان ماده اولیه تولید بسیاری از محصولات در مراحل بعدی زنجیره ارزش افزوده کاربرد پیدا می کند.

[۱۲] اطلاعات مستند و دقیقی از آنچه تبیین شد پیدا نشد لکن بر اساس توضیحات شفاهی کارشناسان نفتی این مورد تبیین شده است

دسته بندی کلی فرآورده ها	از نفت خام سبک	از نفت خام سنگین	فرآورده ها
گازها	۵٪	۵٪	پروپان-بوتان
حلال های سبک	۲۰٪	۱۵٪	بنزین- نفتا
محصولات تقطیر	۳۵٪	۲۵٪	پارافین- نفت سفید، سوخت جت، گازوئیل، نفت گرمایشی
پسماندها	۴۰٪	۵۵٪	نفت کوره - قیر

جدول شماره ۱. فرآورده های حاصل از پالایش نفت خام

بر اساس گزارشات آینده پژوهی انجام شده توسط موسسات معتبر انرژی و بر اساس تحلیلی که با توجه به ساختار تولید کالا و مصرف انرژی وجود دارد، در سال ۲۰۵۰ حجم مطلق نفت مورد تقاضای جهانی افزایش می یابد و از طرف دیگر سهم نفت در تامین انرژی جهان در حدود ۶۰٪ تخمین زده می شود، که البته همه ی اینها مربوط به تقاضای انرژی نفت است و با توجه به نقش نفت به عنوان ماده اولیه قطعا ایده ی کاهش وابستگی دنیا به نفت مورد نقد جدی قرار گرفته و رد می شود و بنابراین توجیه مناسبی برای تعجیل در افزایش تولید و صادرات نفت خام نمی باشد.

۳- بررسی ابعاد سیاسی امنیتی

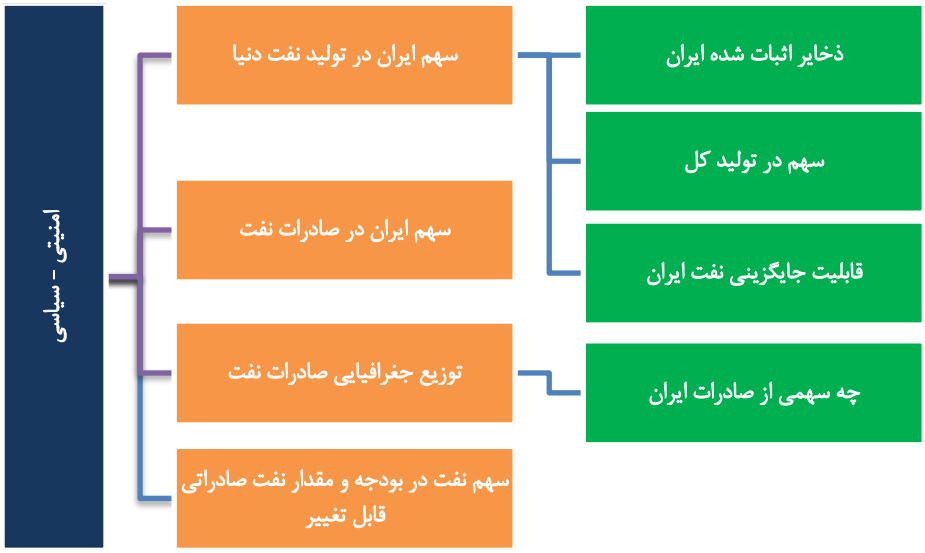

شکل شماره ۵. ابعاد مختلف منافع ملی در حوزه سیاسی امنیتی

جهت بررسی دقیق تر منافع امنیتی سیاسی نیاز است که اجزای موثر بر آن را شناسایی نمود که در نمودار کلیت آن ترسیم شده است.

۳-۱- ذخایر اثبات شده[۱۳] ۱۱ کشور اول دنیا از جهت ذخایر نفت خام[۱۴]:

در این میان ایران با دارا بودن ۱۳۷ میلیارد بشکه نفت خام بعد از عربستان و ونزوئلا، رتبه سوم را از جهت ذخایراثبات شده نفت خام داراست. این عدد حدود ۱۰٪ ذخایر اثبات شده کل دنیاست. در این میان با توجه به تحلیل های قبلی مبتنی بر نیاز بیش از پیش دنیا به نفت و سرعت عربستان در تولید و صادرات هرچه بیشتر نفت چنانچه ایران تولید خود را هم اکنون کاهش دهد و تنها از میادین مشترک تولید خود را افزایش دهد نقش خود را در آینده با توجه به ذخایر اثبات شده نفت خام افزایش می دهد.

۳-۲- تغییرات تولید و سهم ۱۰ کشور اول تولید کننده نفت

بر طبق آمار موجود،[۱۵] ایران با تولید روزانه ۴.۲۴۵ هزار بشکه نفت خام چهارمین کشور به لحاظ حجم تولید می باشد و از این نظر ۵.۲٪ تولید دنیا را در سال ۲۰۱۰ به خود اختصاص داده است. از این منظر ایران سهم مهمی در تعیین قیمت نفت خام و عرضه و تقاضای جهانی دارد.

۳-۳- سهم نفت صادراتی ایران در نفت مبادلاتی جهان[۱۶]

برای بررسی دقیق تر توان ایران در حوزه امنیتی سیاسی با تکیه بر ابزار نفت، باید میزان صادرات نفت خام را در نظر گرفت. براساس آمار سال ۲۰۱۰ ایران در حدود ۲.۳۴۰ هزار بشکه نفت خام در روز صادر می نماید که در حدود ٪۴.۰۷۵ صادرات دنیا را به خود اختصاص می دهد، که از این نظر نقش تعیین کننده در قیمت نفت خام بازی می کند و ایران می تواند به عنوان یک عنصر اصلی در فضای امنیتی سیاسی در کوتاه مدت مورد استفاده قرار دهد.

---

[۱۳] Proven Reserved

[۱۴] آماراین بخش بر اساس گزارش شرکت BP از منابع نفت و گاز دنیا در سال ۲۰۱۲ استخراج شده است

[۱۵] آمار مندرج در گزارش های مرکز پژوهش های مجلس در مورد بودجه سالانه

[۱۶] همان

۴-۳- ویژگی های فنی نفت ایران و مشخصات آن در جهان

با توجه به مشخصات فنی پالایشگاه ها هر پالایشگاهی قادر به پالایش نفتی با مشخصات و درجه API مشخص است، بنابراین میزان تولید و صادرات ایران تنها عنصر تعیین کننده در بررسی منافع امنیتی سیاسی نیست و بایستی مشخصات فنی و قابلیت جایگزینی نفت ایران را نیز به عنوان یک عنصر تعیین کننده مورد بررسی قرار داد. براساس آمار موجود میانگین درجه API نفت ایران در حدود ۳۲ می باشد که از این منظر بسیاری از کشورهای صادر کننده نفت، نفتی شبیه به ایران دارند که قابلیت جایگزینی آن را در کوتاه مدت ممکن می سازد.

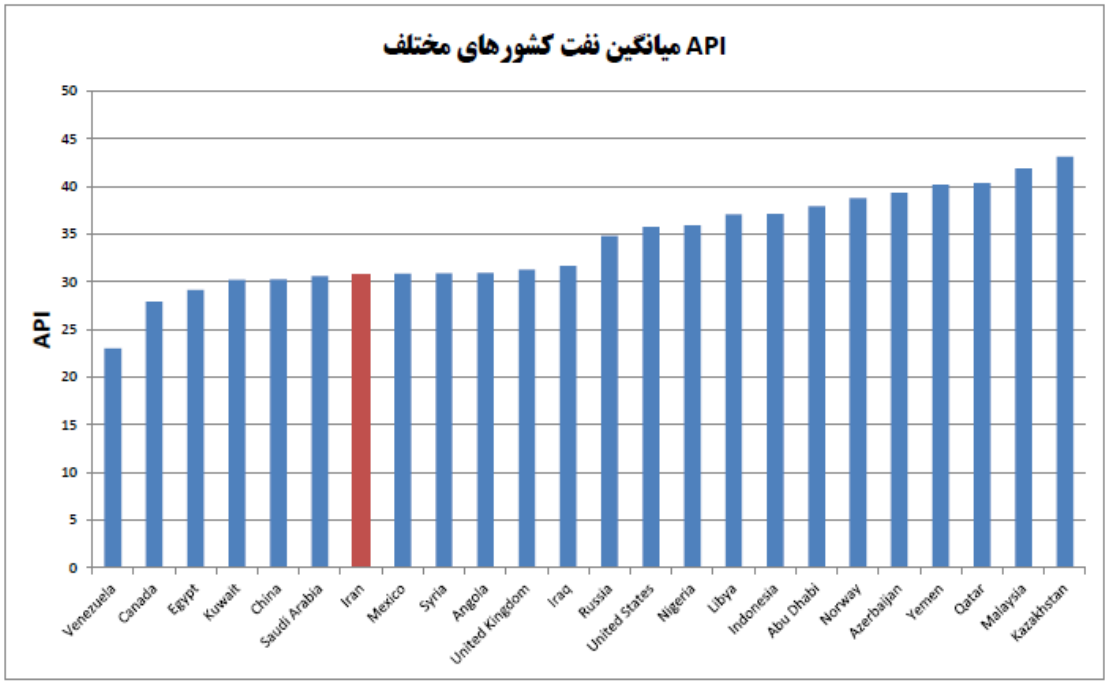

شکل شماره ۶. توزیع متوسط API نفت در کشورها

۵-۳- توزیع جغرافیایی نفت صادراتی ایران (بر اساس آمار بانک مرکزی)

یکی دیگر از فاکتورهایی که نقش تعیین کننده ای در ترسیم توان امنیتی ایران مبتنی بر ابزار نفت دارد توزیع جغرافیایی صادرات نفت ایران می باشد. آنچنانکه از آمار ها بر می آید بیشتر نفت ایران به آسیا و خاور دور و ژاپن صادرات می شود که از این منظر با توجه به روابط سیاسی، ایران در پی کاهش صادرات خود به

این کشورها نیست از سویی دیگر آمارها[۱۷] نشان می دهد آن بخش از صادرات ایران که به اروپا انجام می شده در طول مدت ۲ سال(سال های ۱۳۸۲-۱۳۸۴) قابل جایگزینی می باشد و تنها در کوتاه مدت اثر گذار خواهد بود

سال	اروپا (درصد)	ژاپن (درصد)	آسیا و خاور دور (به استثنای ژاپن) (درصد)	آفریقا (درصد)	سایر مناطق (درصد)
۱۳۶۵	۵۱.۶	۱۷.۲	۱۸.۱	۰	۱۳.۱
۱۳۶۶	۲۸.۹	۱۱.۹	۲۲.۲	۰.۱	۳۶.۹
۱۳۶۷	۳۹.۴	۱۲.۴	۲۰.۲	۰.۹	۲۷.۱
۱۳۶۸	۶۰.۵	۱۸	۱۵.۴	۰	۶.۱
۱۳۶۹	۵۰.۸	۲۰.۲	۱۸.۱	۰.۴	۱۰.۵
۱۳۷۰	۳۸.۵	۱۷.۷	۱۶	۰	۲۷.۸
۱۳۷۱	۳۷.۷	۱۶.۶	۱۶.۸	۰	۲۸.۹
۱۳۷۲	۳۱.۱	۱۹.۱	۲۱.۸	۰.۱	۲۷.۹
۱۳۷۳	۳۳.۱	۲۰.۴	۲۱.۲	۰	۲۵.۳
۱۳۷۴	۴۶.۷	۱۶.۱	۲۳.۵	۷.۶	۶.۱
۱۳۷۵	۴۹.۵	۲۰	۲۷.۶	۰	۲.۹
۱۳۷۶	۵۱.۴	۱۹.۱	۲۶.۹	۰	۲.۶
۱۳۷۷	۴۹.۸	۱۸.۷	۲۷.۸	۰	۳.۷
۱۳۷۸	۳۳.۶	۲۴.۷	۲۶.۱	۰	۱۵.۶
۱۳۷۹	۳۱.۴	۲۱.۹	۳۹.۶	۷.۱	۰
۱۳۸۰	۱۴	۲۳.۷	۴۱.۸	۶.۹	۱۳.۶
۱۳۸۱	۱۱.۱	۲۵.۹	۳۵.۱	۷.۲	۲۰.۷
۱۳۸۲	۱۰.۵	۲۴.۹	۳۳.۸	۶.۶	۲۴.۲
۱۳۸۳	۲۵.۸	۲۰.۶	۳۵.۸	۷.۴	۱۰.۴
۱۳۸۴	۳۳.۵	۲۰	۳۹.۴	۷.۱	۰

[۱۷] بر اساس آمارهای سری زمانی بانک مرکزی راجع به توزیع جغرافیایی صادرات نفت خام

۱۳۸۵	۳۸.۴	۱۶.۴	۳۸.۸	۶.۱	۰.۳
۱۳۸۶	۳۲.۴	۱۸.۶	۴۳.۳	۵.۷	۰
۱۳۸۷	۲۹.۳	۱۷.۶	۴۷.۲	۵.۹	۰

جدول شماره ۲. توزیع جغرافیایی صادرات نفت خام(درصد)

از مجموع آنچه گفته شد بنابر جدول شماره ۳ نتیجه گیری می شود که عدم حضور نفت ایران در بازار جهانی به دلایل سیاسی امنیتی، حتما تغییراتی را در حوزه قیمت نفت خام ایجاد می نماید لکن تهدید در حوزه تامین انرژی کشورهای متخاصم(عمدتا اروپایی) کوتاه مدت خواهد بود.

ایران	در انتهای سال ۱۹۹۰	در انتهای سال ۲۰۰۰	در انتهای سال ۲۰۰۹	سهم از کل در سال ۲۰۱۰
میزان ذخایر اثبات شده (۳)	۹۲.۹	۹۹.۵	۱۳۷.۰	۹.۹٪
حجم تولید نفت (۴)	-	۳۸۵۵	۴۱۹۹	۵.۲٪
قابلیت جایگزینی (میانگین درجه API)	۳۲	۳۲	۳۲	قابل جایگزینی توسط کویت، چین، عربستان سعودی، مکزیک، سوریه، آنگولا
مقاصد صادراتی	قابلیت تغییراتی حدود ۲۰٪ در طی ۲ سال بر طبق آمارهای موجود			

جدول شماره ۳. جمع بندی مباحث مطرح شده در حوزه امنیتی سیاسی

البته از آن جهت که درآمدهای نفتی در قالب بودجه دولت به شکل مستقیم در اداره حاکمیت نقش ایفا می نماید نمی شود کل میزان صادرات نفت خام را به یکباره از تقاضای جهانی حذف نمود، بنابراین می توان گفت ایران به اندازه صادراتی که مازاد بر صادرات لازم برای تامین درآمدهای دولت انجام می دهد پتانسیل حذف دارد. پس بایستی ابتدا میزان وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی را محاسبه نمود.

آنچه در جدول شماره ۴ دیده می شود خلاصه ای از میزان وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی است[۱۸].

عنوان	قانون بودجه عمومی سال ۱۳۹۰	قانون بودجه عمومی سال ۱۳۹۱
صادرات نفت خام و میعانات گازی	۸۱.۴۵	۸۴.۹۵
بیع متقابل نفتی و گازی(هزینه ها)	۳.۶	۳.۶
صادرات نقدی نفت خام و میعانات گازی(درآمد خالص)	۷۷.۸۵	۸۱.۳۵
حداقل سهم صندوق توسعه ملی(۲۰ درصد صادرات نقدی)	۱۵.۵۷	۱۸.۷۱
سهم شرکت ملی نفت(۱۴.۵ درصد صادرات نقدی منهای تعهدات بیع متقابل)	۱۱.۲۹ -۷.۶۹	۱۱.۸ -۸.۲
مانده وجوه حاصل از صادرات نقدی نفت خام و میعانات گازی	۵۴.۵۹	۵۴.۴۴
واریز به ردیف۲۱۰۱۰۱	۵۳	۵۱.۶۴
واریز به ردیف ۲۱۰۱۰۹ (دو درصد صادرات نفت خام برای مناطق محروم و نفت خیز)	۱.۳۹	۱.۴۵۲

[۱۸] داده ها بر اساس لایحه تقدیمی بودجه ۹۱ دولت به مجلس و گزارش مرکز پژوهش های مجلس استخراج شده است

منابع قابل تخصیص به بند۱-۲ و حساب ذخیره ارزی	۰.۲	۱.۳۵

جدول شماره ۴. تعیین میزان وابستگی به نفت در بودجه سال ۹۰ و لایحه سال ۹۱

براساس این جدول محاسباتی صورت گرفته که نشان می دهد برای تامین درآمدهای حاصل از فروش نفت در بودجه نیاز به فروش حداقل ۲۱۰۰ هزار بشکه در روز می باشد که با فرض ظرفیت ۲۳۴۰ هزار بشکه ای کشور در صادرات نفت خام حدود ۲۴۰ هزار بشکه در روز قابلیت انعطاف فروش و یا عدم فروش نفت خام تولیدی کشور است که یعنی ما به ازای یک کاهش ۲۴۰ هزار بشکه ای در روز قابلیت تغییرات در حوزه قیمت نفت خام وجود دارد که بر حسب محاسبات انجام گرفته از کشش قیمتی نفت خام، تغییرات قیمت ما به ازای چنین تغییری در حجم عرضه نفت خام برابر حدودا ۱۵ دلار می باشد.

بنابراین توان امنیتی- سیاسی کشور با استفاده از ابزار صادرات نفت خام ابتدا کوتاه مدت بوده(قابلیت جایگزینی نفت ایران در بلند مدت وجود دارد) و تنها موجبات تغییرات قیمتی در حوزه نفت خام آن هم در حدود ۱۵ دلار می گردد.

٤- نتیجه گیری:

عوامل و فاکتورهای دیگری نیز در بررسی فوق باید مورد بررسی قرار گیرد لکن با بررسی علمی موارد فوق روشن می شود که استراتژی افزایش تولید و صادرات نفت خام از جهات اقتصادی و امنیتی- سیاسی مورد نقد قرار گرفته و تایید نمی شود. به نظر می رسد بهترین استراتژی، حداکثر تولید از میادین مشترک و کاهش تولید در میادین غیر مشترک است. از طرفی باید تمرکز وزرات نفت بر توسعه میادین گازی وتوسعه پالایشگاهی قرار گیرد تا از طریق حفظ فشار مخزن و افزایش صادرات فرآورده های نفتی و کاهش آسیب پذیری کشور در حوزه واردات فرآورده های نفتی توان امنیتی سیاسی کشور را با ابزار نفت در بستر دیگری فعال نمود.